

چندین پیشنهاد داشت. من بر اساس ویژگی‌های این کاراکتر و شرایط زندگی‌اش در پی اسمی بودم تا به لیلما رسیدم و تا جایی که به یاد دارم به معنی مهر و ماه بود اما متأسفانه دقیق به خاطر ندارم.

لیلما با چالش‌های زیادی روبرو است و علاوه بر تمام این‌ها ایرانی نیست و شما نقش یک زن مهاجر افغان را بازی کرده‌اید. لطفاً در این مورد بگویید

اساساً اولین چالش نقش لیلما برای من این بود که من در اولین تجربه بازیگری‌ام باید به چنین کاراکتری می‌پرداختم. به هر حال طی این ۷ سال تجربه‌هایی کسب کردم و حال چه به واسطه صحنه باشد و چه به واسطه مطالعاتی که داشتم چیزهایی آموختم اما ۷ سال پیش واقعا تجربه‌ای نداشتم و زمانی که این کاراکتر را به من پیشنهاد دادند باید به کاراکتر یک دختر افغان که زیستش هیچ شباهتی به زیست خودم نداشت جان می‌دادم به خصوص که خود من ترک زبان هستم و راجع به افغانستان و مردمانش چیزی نمی‌دانستم بنابراین اینکه بتوانم زبان و لحن کاراکتر را درست در بیاورم چالش بزرگی بود و اینکه بتوانم بازی درست و قابل قبولی ارائه بدهم و حس کاراکتر را به درستی منتقل کنم اولویت بعدی من محسوب می‌شد چون مشاور لهجه‌ای که داشتم پس از مرحله پیش تولید دیگر سر صحنه همراه من نبود به همین علت من از بازیگرهای افغانی که در پروژه بودند می‌پرسیدم اما از آنجایی که زبان افغانی هم لهجه‌های متفاوتی دارد چالش دیگری ایجاد می‌شد.

چگونه شد که به این پروژه دعوت شدید؟

من آقای علمی‌نیا را از قبل می‌شناختم و یک روز به دفترشان دعوت شدم. خیلی خوب به یاد دارم که همان ابتدا گفتند من از تو بازی ندیده‌ام و این کاراکتر هم سخت است و نمی‌دانم که از پیشش برمی‌آیی یا نه و من هم واقعا از اینکه این کاراکتر به من پیشنهاد شده خیلی خوشحال بودم و تصمیم گرفتم که ثابت کنم که می‌توانم این نقش را در بیاورم. در نهایت طی رفت و آمدها، تمرین‌ها و دور خوانی‌ها و تست‌هایی که گرفتند که اتفاقاً یک پروسه طولانی بود و زمان زیادی برد نتیجه و پذیرفته شدن برای این نقش به من اعلام شد.

گریم و لباس کاراکتر به نحوی انجام شده که میزان زنانگی او را به حداقل برساند آیا این لباس و گریم برای شما به عنوان بازیگر باورپذیر بود؟

خوب این دختر واقعا در زندگی‌اش چیزی از زنانگی و زنانه بودن نداشته چرا که اصلا وقتش را نداشت به همین دلیل نوع لباس، پوشش و گریمش به این شکل بود. او حتی روسری‌اش را مانند دیگر زنان در فیلم از جلو نمی‌بندد و روسری را پشت سرش می‌بندد و می‌خواهد بگوید که اولویت این زن چیز دیگریست و باید پول به دست بیاورد و امورات زندگی برادر و مادرش را تأمین کند.

نزدیک شدن شما به کاراکتر به چه صورت بود؟

آنچه این دختر تجربه می‌کند را من نسیم هرگز تجربه نکرده و حتی در خوابم هم ندیدم و نمی‌بینم و همانگونه که گفتیم زیست او خیلی از زیست شخصی من دور بود. در چند پلان اینسرتی که از دست لیلما داریم می‌بینیم حتی دست‌های او نیز دیگر زنانه نیست و به دست‌های زمخت و مردانه تبدیل شده است. من در دوران پیش تولید همراه با گروه به منطقه می‌رفتم و از آقای علمی‌نیا خواسته بودم که هر زمان برای بازدید لوکیشن یا به هر دلیلی دیگری به منطقه می‌روند مرا نیز با خودشان ببرند و در همان زمان با زنانی که در آن منطقه و در آن شرایط زندگی می‌کردند صحبت کردم. با هم در دل کردیم، لباس‌هایشان را پوشیدم حتی آن بولوک‌های سیمانی که در فیلم می‌بینید را در زمان پیش تولید با دستان خودم از پشت وانت برمی‌داشتم و یا دوباره سوار وانت می‌کردم به همین دلیل دست‌های من خیلی شبیه دست‌های کاراکتر شده بود و این اصلاً گریم نبود.

حتماً در سکانس‌هایی که با نابازیگران به خصوص کاراکتر مادر و برادر که حضور زیادی دارند بازی داشتید با برداشت‌های متعددی که به‌رومی شدید؟

بله تمام این بخش‌ها با تکرارهای بسیار زیاد و خیلی سخت انجام شد. البته خود من هم تجربه‌ای نداشتم اما خیلی مهم است که پارتنران بتوانند به شما حس را منتقل کنند و این چندین برابر به بازی شما کمک می‌کند و بده بستانی که شکل می‌گیرد به مخاطب هم منتقل می‌شود اما متأسفانه این مسئله از جانب مادر و برادر وجود نداشت و ما مجبور بودیم مدام کلنجار برویم و این چالش را داشتیم که بتوانند دیالوگ‌ها را بگویند و کمی به حس و حال کار نزدیک شوند که طبیعتاً با تکرارهای بسیار زیاد ممکن شد.



ببینند و متوجه شوند که یک زن می‌تواند چقدر قوی باشد و اینکه نباید خودشان را دست کم بگیرند. من مهدی علمی‌نیا این فیلم را در رابطه با غرور، شخصیت، درونگرایی، قدرت کاری و قدرت ذهنی و خلاقیت زنانه ساختم و می‌خواهم با این فیلم بگویم که زنان واقعا دوست داشتنی، مهربان و صد برابر قوی‌تر از مردان هستند اما به خاطر فیزیک، صورت زیبا و مهربانی که خداوند به آنها داده چندان جدی گرفته نمی‌شوند. در انتها این فیلم را به هواداران خوب پرسپولیس به خصوص بانوان هوادار پرسپولیس تقدیم می‌کنم.

نسیم قلبی زاده، بازیگر:

لیلما، هیچ شباهتی به زیست خودم نداشت

ورود شما به عرصه بازیگری چگونه بود؟

واقعیت این است که رشته من مرتبط به بازیگری نبود و در دانشگاه علامه رشته اقتصاد خواندم اما در کلاس‌های بازیگری شرکت کردم و بعد هم یک سری تجربه‌ها در پشت صحنه کسب کردم. اولین کار حرفه‌ای بازیگری‌ام همین فیلم است و دوست دارم همین ابتدای کار از گروه هنر و تجربه تشکر کنم که شرایط کاران این فیلم را فراهم کردند چون من واقعا بعد از ۷ سال دیگر هیچ امیدی به کاران فیلم نداشتم و تنها به صورت یک تجربه در خاطر مان باقی خواهد ماند. فکر می‌کنم اگر فیلم در زمان خودش کاران می‌شد شرایط کاری برای من متفاوت می‌بود من بعد از این فیلم سراغ فیلم‌های کوتاه رفتم و بیشتر در این عرصه فعالیت کردم و در برخی از سریال‌ها نیز به عنوان بازیگر مهمان حضور داشتم اما عمده فعالیت من در این سال‌ها مدیوم فیلم کوتاه بود.

نام کاراکتری که بازی کرده‌اید یعنی «لیلما» خیلی متفاوت است آیا معنی آن را می‌دانید؟

ما این فیلم را حدود ۷ سال پیش کار کردیم و همان موقع در مورد اسم با کارگردان و نویسنده فیلم خیلی صحبت کردیم و هر کدام از ما

سینما بپردازند تا جهان را با این سینما تسخیر کنیم به آثاری که هرگز ماندگار نخواهند بود پرداخته می‌شود و واقعا نمی‌دانم که این مسائل به دلیل ناکارآمدی مسئولین یا مدیران ماست یا به دلیل نگاه سلیقه‌ای جناح‌های مختلف اما به نظر من باید این خط فیلمساز می‌تواند باعث افتخار کشور ما باشد حمایت شود. البته گروه هنر و تجربه برای دانشجویان و تازه فارغ‌التحصیلانی که فیلم‌های خوب می‌سازند عرصه بسیار خوبیست اما برای من مهدی علمی‌نیا شرایط تا حدودی متفاوت است هر چند که فکر می‌کنم جایگاه اصلی این فیلم نیز هنر و تجربه است آن هم به خاطر وجود افراد باسواد در این صنف، اما به نظر من ممکن بود که با نگاه سینمایی‌تر و تبلیغات درست‌تر به این نوع سینما و نگاه در فیلمسازی بیشتر بها بدهند تا فیلم بیشتر و بهتر دیده شود. متأسفانه امروز شرایط به گونه‌ای است که یک نفر صد بار کار می‌کند و هزار نفر یک بار کار نمی‌کنند که این خیلی بد است.

در واقع شما در عین حال که معتقدید این فیلم می‌تواند در هنر و تجربه کاران شود باز ترجیح می‌دید که به صورت کاران عمومی پخش شود؟

بله اگرچه سینمایی هنر و تجربه سینمای خوبی است اما سانس‌های محدودی دارد و بسته‌تر است و مخاطب خاص به دیدن آثار این گروه سینمایی می‌آیند اما سینمای عمومی با امکان تبلیغات گسترده و صحبت‌هایی که می‌شود با پخش کننده‌ها صورت گیرد می‌توانست باعث بیشتر دیده شدن فیلم شود. بنابراین خیلی در دناک است که می‌بینم آن سوی آب به فیلم‌های ما چقدر بها می‌دهند اما در داخل بهایی داده نمی‌شود.

سخن پایانی

این فیلم یک اثر هنری مطلق نیست بلکه یک فیلم اجتماعی خانوادگی است که به مصائب کودکان و نوجوانان نیز می‌پردازد و حرفی برای گفتن دارد. در واقع روی اصلی سخنیم با خانم‌هاست و بیشتر از مخاطبان خانم درخواست می‌کنم که حتماً به دیدن این فیلم بیایند تا